



The Formation of Rural Society in Transoxiana in the Middle Ages

Shahram Yousefifar^{1*}, Taha Aref²

¹- Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Tehran University, Tehran, Iran. shyousefifar@ut.ac.ir

²- Graduated with a master's degree in the history of Iran in the Islamic period, Tehran University, Tehran, Iran. taha.aref@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The Transoxiana witnessed the emergence and evolution of rural communities throughout history, dating back to ancient times. Rural life in this region has had unique characteristics due to the diversity of geography and climate, the flow of political and social events, and the special place in the extra-regional economy. The study of rural history in the Transoxiana provides extensive knowledge of patterns involved in formation, transformation, evolution and, finally, the decline of villages at the disposal of social history researchers.
Received: 15/11/2023	An essential perspective in the studies of rural communities is the investigation of the process of their emergence and establishment. Recognizing the influential factors in this process helps with a deeper understanding of rural relations and its subsequent developments.
Accepted: 21/01/2024	In this paper, focusing on the main question about the formation of villages in the Transoxiana region, it was assumed that the villages in this region were formed and established according to different models. Therefore, they have experienced diverse natures and socio-economic relations during their subsequent growth and development. The result of the research indicated that, contrary to the simplifications of the popular opinions about the roots of the formation of rural societies, various factors have played a role in the emergence of villages in Transoxiana. This research on the social history of the village in Iran was organized with a qualitative approach, and a thematic analysis method was used to identify information, process data, and explain the main categories.
	Keywords: Rural History, History of Rural Settlement, Middle Ages, Transoxiana, Social history of Iran.

Cite this article: Yousefifar, Shahram; Aref, taha, (2023), "The Formation of Rural Society in Transoxiana in the Middle Ages", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 1, No.2, P:65-89.

DOI: [10.30479/hvri.2023.19081.1011](https://doi.org/10.30479/hvri.2023.19081.1011)



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Yousefifar, Shahram

Address: Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Tehran University, Tehran, Iran.

E-mail: shyousefifar@ut.ac.ir



فصلنامه تاریخ روستا و روستائیشینی در ایران و اسلام

شاپا الکترونیکی: ۶۰۱۲-۳۰۶۰

سال اول، دوره جدید، شماره دوم، پاییز ۱۴۰۲



شکل‌گیری جوامع روستایی در ماوراءالنهر سده‌های میانه

شهرام یوسفی فر^۱، طاها عارف^۲

^۱- استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. shyousefifar@ut.ac.ir

^۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. taha.aref@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	منطقه ماوراءالنهر از روزگاران کهن شاهد ظهور و تکامل جوامع روستایی بود. زندگی روستائیشینی در این منطقه بنا به تنوع جغرافیایی و اقلیمی، جریان رخدادهای سیاسی و اجتماعی، جایگاه خاص در اقتصاد فرمانطقه‌ای، از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار بوده است. مطالعه تاریخ روستایی قلمرو ماوراءالنهر، دانشی غنی در زمینه الگوهای دخیل در فرایند شکل‌گیری، تحول و تکامل و در نهایت، افول روستاها در اختیار محققان تاریخ اجتماعی قرار می‌دهد. یک بُعد مهم در مطالعات جوامع روستایی، بررسی فرایند پیدایش و استقرار جامعه روستایی است. بازشناسی عوامل مؤثر در این روند به شناخت عمیق‌تر مناسبات روستایی و تحولات بعدی آن مدد می‌رساند. در این پژوهش با تمرکز بر سؤال اصلی تحقیق درباره چگونگی شکل‌گیری روستاها در منطقه ماوراءالنهر، چنین فرض شد که روستاها در این منطقه بنا به مدل‌های مختلف شکل گرفته و مستقر شده‌اند؛ از این رو، در جریان رشد و تکامل بعدی خود از تنوعی در ماهیت و مناسبات اقتصادی - اجتماعی برخوردار شده‌اند. دستاورد پژوهش حکایت از این داشت که برخلاف ساده‌سازی‌های نظریه‌های مشهور درباره ریشه‌های شکل‌گیری جامعه روستایی، در ماوراءالنهر مجموعه‌ای از عوامل گوناگون در پیدایش روستاها ایفای نقش کرده‌اند. این پژوهش درباره تاریخ اجتماعی روستا در ایران با رویکرد کیفی سازمان‌دهی شد و برای شناسایی اطلاعات، پردازش داده‌ها و تبیین مقوله‌های اصلی، از روش تحلیل محتوا استفاده شد.
دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴	
پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱	
واژگان کلیدی: تاریخ روستایی، تاریخ روستائیشینی، سده‌های میانه، ماوراءالنهر، تاریخ اجتماعی ایران.	

استناد: یوسفی فر، شهرام؛ عارف، طاها، (۱۴۰۲)، «شکل‌گیری جوامع روستایی در ماوراءالنهر سده‌های میانه»، فصلنامه تاریخ روستا و روستائیشینی در ایران و اسلام، سال اول، شماره دوم، ص: ۸۹-۶۵.

DOI: 10.30479/hvri.2023.19081.1011

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

حق مؤلف © نویسندگان.



مقدمه

روستا و روستانشینی در تاریخ ایران پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد و در جریان تولید فضای زیست مردمان این سرزمین و نیز مسیر تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تاریخ تأثیرات فراوانی بر جای نهاده است. مطالعات درباره تاریخ روستا و روستانشینی در ایران اقبال و رونق چندانی نداشته و انبوهی از موضوعات ضروری برای پژوهش در این زمینه مغفول مانده است. همچنین روشنی‌بخشی بر برخی مسائل تاریخ اجتماعی ایران، نیازمند حصول فهم عمیق و روشن از وضعیت تاریخی روستانشینی در ایران است.

یکی از مباحث آغازین درباره روستاشناسی تاریخی در ایران، چگونگی پیدایش و استقرار جامعه روستایی است. به‌طور کلی، در تاریخ جوامع، موضوع پیدایش روستا تابع نظریه‌های مسلطی است که براساس مطالعات جامعه‌شناسان، باستان‌شناسان، جغرافیادانان و انسان‌شناسان در نواحی مختلف دنیا مطرح و تأیید شده‌اند. طبق این‌گونه نظریه‌ها، انتقال زندگی جمعی انسان‌ها از مرحله غارنشینی و شکار، به استقرار در دره‌های آبرفتی و جلگه‌ها به‌منظور پرداختن به کشاورزی به منزله سرآغاز پیدایش روستا و روستانشینی معرفی شده است. غلبه چنین انگاره‌ای باعث شده است تا بحث‌های محققان جوامع مختلف درباره روند پیدایش روستا و روستانشینی براساس فرایند موردنظر فهم و تبیین شود و همین انگاره مبنای بررسی‌ها قرار گیرد. بدیهی است که سازوکار خودبه‌خود به مانعی در برابر کاوش برای کشف دیگر روال‌های ممکن در جریان پیدایش روستا و زندگی روستایی تبدیل شود. درحالی‌که با مطالعه تاریخ اجتماعی ایران در سده‌های میانه، این واقعیت آشکار می‌شود که دلایل مؤثر در پیدایش و تأسیس روستاها فراتر و متفاوت از مدل مزبور بوده است. اهمیت این موضوع برای مطالعات تاریخ روستا از این‌رو است که با شناخت دلایل پیدایش روستاها، درک عمیق‌تری از مناسبات اجتماعی جامعه روستایی و نیز فهم گونه‌های روابط روستا با روستاهای دیگر و جوامع شهری و صحراگردان صورت می‌گیرد.

در بررسی فرایند پیدایش استقرارگاه‌های روستایی در ماوراءالنهر، در پی یافتن پاسخی برای شناسایی عوامل دخیل در ظهور جوامع روستایی در این منطقه هستیم. در این راستا، فرضیه راهبر بر آن بود که بنابه تنوع و تفاوت‌های جغرافیایی، اقلیمی و زیستی ماوراءالنهر، عوامل گوناگونی در شکل‌گیری استقرارگاه‌های روستایی نقش داشتند؛ ازاین‌رو، باید از مجموعه‌ای از علت‌ها و الگوهای فرایندی در استقرار جامعه روستایی سخن گفت.

در این پژوهش تاریخی از رویکرد کیفی برای شناسایی داده‌های مرتبط با موضوع در متون تاریخی و شیوه تحلیل محتوا استفاده شد تا با بررسی جامع شواهد مربوط، امکان فهم روشمند پدیده‌های مورد بررسی و شناخت علت‌ها را ممکن سازیم.

محدوده زمانی این تحقیق، سده‌های سوم تا پنجم هجری قمری (سده‌های میانه) تاریخ ایران را که زمانه گذار از وضعیت فتوحات عرب‌های مسلمان و پذیرش دین اسلام تا هنگام شکل‌گیری حکومت سلجوقیان و تداوم حکومت قراخانیان در این منطقه است، دربرمی‌گیرد. منطقه مابین رود جیحون (آمودریا Oxus) و سیحون (سیردریا Jaxartes)، پس از ورود اعراب به ماوراءالنهر مشهور شد. جغرافی‌نگاران مسلمان حدود این خطه را ترسیم کرده‌اند. برخی ماوراءالنهر را جزئی از خراسان بزرگ دانسته‌اند. ابن‌خردادبه ماوراءالنهر را یک ربع از چهار ربع خراسان بزرگ می‌داند (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۷) و شماری دیگر حدودی مانند وی تعیین کرده‌اند (ر. ک به: مقدسی، ۱۳۶۱: ۲ / ۳۷۹ و ۳۸۰). دسته‌ای دیگر ماوراءالنهر را منطقه‌ای جدا از خراسان و با حدودی مستقل دانسته‌اند. از جمله اصطخری گوید: «جانب شرقی ماوراءالنهر راخت و فامر و حدود ختل از حد زمین هندوستان بر یک خط راست و جانب غربی ولایت غزیه و حد طراز بر تقویس بازگردد تا فاراب و بیسکند و سغد سمرقند و نواحی بخارا تا خوارزم و کنار دریا و جانب شمالی حدود ترکستان تا حد فرغانه و طراز بر خطی راست، به حکم آن کی ختل بر رود جریاب است و جانب جنوبی از جیحون نخست از بدخشان درآید تا دریای خوارزم بر خطی مستقیم و خوارزم و ختل را در شمار ماوراءالنهر نهادیم؛ زیرا کی ختل میان رود جریاب و وخشاب اوفتاده است» (اصطخری، ۲۲۶: ۱۳۴۰). حدودالعالم (نویسنده نامعلوم، ۱۳۶۲: ۱۰۵)، ابن‌حوقل (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۱)، جیهانی (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۷) نیز ماوراءالنهر را جدا از خراسان با مرزهایی که اصطخری اشاره داشت، دانسته‌اند.

ماوراءالنهر پنج ولایت اصلی داشت: مهم‌ترین آنان، سغد با دو کرسی عمده بخارا و سمرقند بود. در باختر سغد و پیرامون دریاچه آرال، ولایت خوارزم قرار داشت. ولایت چغانیان و شهرهایی نظیر ختل و وخش در جیحون علیا قرار داشتند. ولایت فرغانه در ساحل سیحون علیا بود. ولایت چاچ در شمال باختر تا مصب رود سیحون در دریاچه آرال قرار داشت (لسترینج، ۱۳۹۳: ۴۶۱ و ۴۶۲). در این پژوهش، حدود مطرح‌شده دسته دوم جغرافی‌نگاران مسلمان مدنظر است، اما به دلیل

کمبود اطلاعات درباره الگوهای پیدایش روستا و روستانشینی، ناگزیر از اطلاعات یافت شده درباره سایر بلاد واقع در جنوب رود سیحون نیز کمک گرفته خواهد شد.

مقوله علت پیدایش روستا و استقرار جامعه روستایی به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین مباحث مرتبط با تاریخ تکامل جامعه بشری، همواره مورد توجه دانشمندان علوم مختلف بوده است. جامعه‌شناسان، باستان‌شناسان، جغرافیادانان، انسان‌شناسان و مورخان هریک به شیوه خود به این مبحث پرداخته‌اند؛ برای مثال، در علم جامعه‌شناسی، خسرو خسروی در کتاب *جامعه‌شناسی روستای ایران* (۱۳۸۱) صفحاتی را به این موضوع اختصاص داده است. در علم انسان‌شناسی، لوئیس هنری مورگان، در کتاب *جامعه باستان* (۱۳۷۱)، سیر تکامل جامعه بشری را به بحث گذاشته است. در علم جغرافیا، کاظم ودیعی در کتاب *روستانشینی در ایران* (۲۵۳۶) و عباس سعیدی در کتاب *مبانی جغرافیای روستایی* (۱۳۹۰)، روند پیدایش روستاها را شرح داده‌اند. در علم باستان‌شناسی، یوسف مجیدزاده در کتاب *آغاز شهرنشینی در ایران* (۱۳۶۸)، روث وایت هاوس در کتاب *نخستین شهر* (۱۳۶۹) و گوردون چایلد در کتاب *انسان خود را می‌سازد* (۲۵۳۷) به مراحل شکل‌گیری روستاها پرداخته‌اند. در علم تاریخ، ریچارد فرای در کتاب‌های *میراث آسیای مرکزی* (۱۴۰۱) و *بخارا دستاورد قرون وسطا* (۱۳۴۸)، غلامرضا انصاف‌پور در کتاب *تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران از دوران ماقبل تاریخی تا پایان ساسانیان* (۲۵۳۵) و بلنیتسکی در کتاب *خراسان و ماوراءالنهر* (۱۳۶۴) درباره مراحل پیدایش نخستین روستاها در منطقه ماوراءالنهر سخن گفته‌اند. باین‌حال، پس از بررسی هریک از آثار یادشده، می‌توان دریافت که با اندکی تفاوت، همگی علت پیدایش روستا و روستانشینی را، انتقال زندگی جمعی انسان‌ها از مرحله غارنشینی و شکار، به استقرار در نقاط حاصلخیز به‌منظور پرداختن به کشاورزی منحصر کرده و از بررسی و تحقیق درباره دیگر عوامل مؤثر در پیدایش روستا چشم‌پوشی کرده‌اند.

با این‌همه برخلاف رویه غالب، برخی از پژوهش‌گران حوزه مطالعات روستایی در مسیری متفاوت گام برداشته‌اند. در این بین می‌توان به مقاله یحیی ذکا با عنوان: «مفهوم دژ و ارگ یا هسته مرکزی ایجاد شهرها در ایران» (ذکا، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۰۹ - ۲۲۴) اشاره کرد که بر نقش و تأثیر عنصر نظامی و دفاعی در پیدایش روستا و شهر تأکید داشته است. همچنین یوسفی‌فر در کتاب *شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران* (۱۳۹۰) کوشیده است در فصلی با عنوان «منشأ روستا»، دیگر عوامل مؤثر در پیدایش روستا در دوره سلجوقیان را شناسایی و بررسی کند.

لذا پژوهش حاضر ضمن استفاده از دستاوردهای پژوهش‌های پیشین، می‌کوشد با اتکا به منابع تاریخی، محلی، جغرافیایی و... و با تمرکز بر حوزه جغرافیایی ماوراءالنهر در سده‌های میانه، علت پیدایش روستا و روستانشینی را از منظر عواملی چون نیازهای حکمرانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی مطالعه و بررسی کند.

۱. منابع اصلی تحقیق

همواره یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر مطالعات روستاشناسی تاریخی، کمبود اطلاعات مرتبط با روستا در منابع دست اول است؛ از این رو، شناسایی و سنخ‌شناسی منابعی که در آن اطلاعات مرتبط با روستا و روستانشینی غنای بیشتری دارد، حائز اهمیت است. در پژوهش پیش رو به تواریخ محلی به سبب فرم و محتوای به‌خصوص آن‌ها که در واقع نوعی تاریخ شهر و مضافات آن هستند، توجه شد؛ لذا مهم‌ترین تواریخ محلی شهرهای خراسان و ماوراءالنهر از قبیل *تاریخ بخارا* (نرشخی، ۱۳۶۲)، *تاریخ نیشابور* (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵)، *تاریخ بیهقی* (بیهقی، ۱۳۴۵)، *تاریخ فضایل بلخ* (واعظ بلخی، ۱۳۵۰) بررسی شد. این آثار با دارا بودن اطلاعات ارزشمند پیرامون وضعیت اجتماعی و اقتصادی در روستا، برای پژوهش حاضر نقش محوری داشتند.

دسته دیگر منابع که در آن به وضعیت شهرها و روستاها با جزئیات خوبی اشاره شده، متون جغرافیایی و سفرنامه‌ای هستند. برای این پژوهش کتاب‌های: *مسالک و ممالک* (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰)، *البلدان* (یعقوبی، ۱۳۵۶)، *حدودالعالم* (نویسنده نامعلوم، ۱۳۶۲)، *المسالک و الممالک* (اصطخری، ۱۳۴۰)، *احسن‌التقاسیم فی معرفه الاقالیم* (مقدسی، ۱۳۶۱)، *اشکال‌العالم* (جیهانی، ۱۳۶۸) و *سفرنامه ابن‌حوقل* (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶) مطالعه و بررسی شدند. در مجموع، این آثار با دربر داشتن اطلاعاتی درباره اوضاع و احوال شهرها و روستاها، حدود ناحیه‌ها، روند اسکان صحراگردان و تولیدات اقتصادی روستاها اعم از زراعت، باغداری، دامداری و تولیدات کالایی، در زمره منابع محوری این پژوهش قرار گرفتند.

در آخر، می‌توان از تاریخ‌های عمومی مانند *تاریخ یعقوبی* (یعقوبی، ۱۳۸۲)، *تاریخ‌الرسال و الملوک* (طبری، ۱۳۷۵) و *تاریخ‌زین‌الانخبار* (گردیزی، ۱۳۸۴) به‌عنوان دیگر منابع مهم این پژوهش یاد کرد. هرچند تواریخ عمومی اغلب با رویکرد سیاسی تألیف شده‌اند، با این حال می‌توان در خلال

مباحث طرح شده، اطلاعات مختلفی پیرامون تاریخ روستا و روستانشینی به دست آورد (ر. ک به: یوسفی فر، ۱۳۹۰).

۲. موقعیت روستاهای منطقه ماوراءالنهر در سده‌های میانه

به عنوان مدخل بحث ریشه‌شناسی فرایند شکل‌گیری روستاها در ماوراءالنهر، ابتدا توصیف کلی از وضعیت استقرارگاه‌های روستایی و مناسبات روستانشینی در این منطقه در سده‌های میانه ارائه می‌شود و سپس بحث اصلی طرح خواهد شد.

حکومت و سیاست: ماوراءالنهر در آستانه هجوم اعراب به مجموعه‌ای از شهرهای خودمختار تقسیم شده بود و در شرایط سیاسی متکثر کانون‌های قدرت محلی قرار داشت. به طور معمول یکی از دهقانان بزرگ منطقه، مسئولیت فرمانروایی شهری خودمختار را بر عهده می‌گرفت (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/ ۴۰۲). به نظر می‌رسد عواملی چون تبار اشرافی، املاک و ثروت خصوصی و چاکران بیشتر، در تصدی این موقعیت تأثیر زیادی داشتند. ریاست امور را در روستاها، اشراف زمین‌دار و دهقانان بر عهده داشتند. آن‌ها در قلعه‌های روستایی سکنی می‌گزیدند و بر امور ملکی و جامعه زارعان روستاها مدیریت و نظارت داشتند (فرای، ۱۳۹۲: ۵۸).

نخستین بار در سال ۵۴ قمری بود که اعراب با ۲۰ هزار سپاهی به فرماندهی عبیدالله بن زیاد به قلمرو ماوراءالنهر تاختند (بلاذری، ۱۳۴۶: ۲۹۵). از آن پس نیز لشکرکشی‌های متعددی به این منطقه صورت گرفت: سعید بن عثمان در سال ۵۶ قمری، (اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۷۷۹ و ۷۸۰)، سلم بن زیاد در سال ۶۲ قمری (بلاذری، ۱۳۴۶: ۲۹۸ و ۲۹۹) و مهلب و پسران او در بین ۸۰ تا ۸۵ قمری (عارف، ۱۴۰۲: ۹۷ و ۹۸). این تحرکات نتیجه‌ای پایدار نداشت و بخشی از اهداف آن، کسب غنیمت برای اعراب بود. فتوحات پر دامنه قتیبه بین سال‌های ۸۵ تا ۹۵ قمری ماوراءالنهر را به معنای واقعی کلمه گشود و زمینه انضمام همیشگی آن را به جهان اسلام (بارتولد، ۱۳۴۴: ۱۱-۱۴) و تحت فرمانروایی امیران خراسان فراهم آورد. امرای خراسان عاملان عرب مسلمان را به نواحی و شهرها ارسال می‌کردند تا به امور نظامی و جمع‌آوری مالیات پردازند و در راستای تعمیق و گسترش نفوذ و قدرت خود در نواحی ماوراءالنهر اقدام کنند. در ابتدا سیاست اداره این نواحی چنین بنیاد نهاده شد که حاکمان محلی موافق در موازات با عاملان عرب مسلمان، در سمت سابق خود ابقا شوند و امور محلی را اداره کنند (همان: ۱۴). این وضعیت کم‌وبیش تا اوایل خلافت عباسی ادامه یافت.

روستاها به‌طور معمول از وضعیت سیاسی مزبور تبعیت می‌کردند. دهقانان که در فتوحات اولیه به‌عنوان رئیس جوامع روستایی نمایندگی اهالی روستا را در مقابل فرماندهان عرب به عهده داشتند (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۲۰۲)، این سمت را با وجود تمام نامالایمات حداقل تا دوره سامانیان حفظ کردند. همچنین به نظر می‌رسد پس از فتوحات قتیبه، اعراب دست‌کم برای روستاهایی که از نظر اقتصادی و سیاسی جایگاه ویژه‌ای داشتند، عاملی عرب تعیین می‌کردند. این امر در دوره عباسی نیز ادامه پیدا کرد. طبق اسناد یافت‌شده در باختر، تنها طی ۲۲ سال (بین سال‌های ۱۳۸ تا ۱۶۰ قمری)، حداقل ۱۹ عامل عرب در یکی از بخش‌های نسبتاً روستایی اما مولد باختر مستقر بودند (Azad, 2016: 40, 41). احتمالاً این عاملان عرب در روستاها بیشتر به کارهایی چون جمع‌آوری مالیات و نظارت بر امور نظامی توجه داشتند.

موقعیت اجتماعی: گرچه از دیدگاه دستگاه حاکم، روستاییان ماوراءالنهر در سده‌های میانه، در طبقه‌ای به نام رعیت قرار می‌گرفتند، اما در واقع، این جماعت به قشرهای گوناگون تقسیم می‌شدند و هریک از آن‌ها از نظر وضع اقتصادی و اجتماعی جایگاهی متفاوت داشتند. پیدایش قشرهای گوناگون در روستا تحت تأثیر عوامل متنوع و متفاوتی بود و از آن جمله می‌توان به این علل اشاره کرد: تصرف اراضی روستا توسط بزرگان و زورمندان، غارت ساکنان روستا توسط ترکان و اعراب، فشارهای مالیاتی دستگاه دیوانی، رونق و پیشرفت تولید کالایی در نواحی روستایی مجاور شهرها، بی‌نوا شدن روستایی‌ها به دست رباخواران و انقراض تدریجی جماعت‌های روستایی (بطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲ / ۱۳۰).

جماعت ساکن در روستاهای ماوراءالنهر در سده‌های میانه را از یک نظر می‌توان به سه دسته: مالکان، خوش‌نشین‌ها و بردگان تقسیم کرد.

مالکان: در رأس جامعه روستایی قرار داشتند و به دو دسته بزرگ‌مالک و خرده‌مالک تقسیم می‌شدند. اکثریت بزرگ‌مالکان در واقع، همان دهقانان بودند که با وجود آسیب‌هایی که پس از حمله اعراب متحمل شدند، توانستند جایگاه و موقعیت ممتاز خود را در روستاها تا عصر فرمانروایی سامانیان و حتی بعدتر از آن حفظ کنند. افزون‌بر دهقانان، گروه بزرگ‌مالک دیگری (مانند اقطاع‌دار و متولی موقوفه‌های بزرگ) پس از حمله عرب‌های مسلمان به تدریج و به‌طور متناوب ظهور کردند و به‌مرور بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شد (نعمانی، ۱۳۵۸: ۱۵۷). این دسته از مالکان معمولاً بیشتر اوقات خود را در شهرها یا مرغزارها می‌گذراندند و زمین‌های ایشان به‌واسطه

مباشران مدیریت می‌شد. پس از ساکن شدن جماعات عرب در ماوراءالنهر، آنان نیز به لایه مالکان خصوصی روستایی افزوده شدند. در منابع اطلاعاتی درباره روستاهای بسیاری وجود دارد که ساکنان آنها به‌طور کلی شامل عرب‌هایی می‌شدند که به امور کشاورزی و باغداری اشتغال داشتند (گردیزی، ۱۳۸۴: ۱۸۷).

خرده‌مالکان: دیگر صاحبان مستغلات در روستاها بودند که وضعیتی به‌مراتب بهتر از روستاییان مشارک در روند تولید (مانند مزارعه‌گران و نیروی‌های آزاد - بدون زمین - روستایی) داشتند. خرده‌مالکان به‌دلیل آنکه وسعت زمین‌هایشان کم بود و بنیة مالی‌ای همانند بزرگ‌مالکان نداشتند، خودشان زمین‌های کشاورزی‌شان را سرآوری و کشت می‌کردند (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲ / ۸۱). خوش‌نشین‌ها: گروهی از ساکنان روستایی بودند که از مالکیت زمین برخوردار نبودند. این گروه بخشی از جمعیت روستا بودند که نیروی مازاد آن را تشکیل می‌دادند و به‌دلیل کافی نبودن سطح اراضی زیرکشت، مجال اشتغال در اقتصاد خانوادگی خود را نداشته یا از اساس، سهمی در مالکیت و اجاره‌داری امکانات تولیدی روستایی را پیدا نمی‌کردند و از این‌رو، به‌نوعی می‌توان آنان را جمعیت نیروی کار مازاد روستا محسوب کرد.

خوش‌نشینان شامل دو دسته سوداگران شاغل در روستا و نیروی کار مقیم روستا می‌شدند. سوداگران روستایی به اموری چون دادوستد خرد و دکان‌داری، دست‌فروشی، هیزم‌فروشی و ذغال‌فروشی اشتغال داشتند. بخش دیگری از آنان به امور خدماتی در روستا اشتغال داشتند؛ اموری مانند: گرمابه‌داری یا پیشه‌وری (نجاری و آهنگری) یا مشاغلی چون شکار و صید (ماهی‌گیری و تله‌گذاری) و نظایر این‌ها. نیروهای آزاد کار روستایی نیز به دو دسته کارورز کشاورزی و کارورز در فعالیت‌های روستا تقسیم می‌شدند. کارورزان روستایی به‌طور معمول به امور عملگی و فعلگی، کولبری، کار خانگی، چوپانی، کار در معدن، امور تولید خانگی و نظایر این‌ها مشغول بودند. کارورزان کشاورزی به‌صورت موقت به اموری چون دشتبانی، جالیزبانی، باغبانی، شخم‌زنی، درو، صیفی‌کاری، در فصول ازدحام کار با دریافت مزد روزانه نقدی یا جنسی (ر. ک به: خسروی، ۱۳۸۵: ۸۴ و ۸۵) به کار مشغول می‌شدند.

دسته دیگری از نیروی کار روستایی بدون زمین نیز در روستا وجود داشتند که به روستاییان مزارعه‌گر موسوم بودند. این دسته، براساس قراردادی از پیش تعیین‌شده بر سر تقسیم محصول که عواملی مثل نیروی کار، ابزار، زمین، چهارپا و آب در آن تأثیرگذار بود، به‌صورت تمام‌وقت روی

زمین بزرگ مالکان کشاورزی می‌کردند (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۱۵۰). خسروی روستاییان مزارعه‌گر را نیز در گروه خوش‌نشینان قرار می‌دهد. وی این‌گونه استدلال می‌کند که مزارعه‌کاران و کارگران کشاورز هر دو فاقد نسخ زراعی هستند و تنها تفاوت میان آن‌ها در این است که مزارعه‌گران از محصول سهم می‌برند و کارگران کشاورزی مزد دریافت می‌کنند (خسروی، ۱۳۸۵: ۸۵).

بردگان: آنان پایین‌ترین گروه در جامعه روستایی ماوراءالنهر بودند. چه در دوره باستان و چه در دوره اسلامی، استفاده از برده توسط بزرگ‌مالکان و اشراف رواج داشت. بسیاری از بردگان بر اثر لشکرکشی و جنگ‌ها به دست می‌آمدند. در دوره اسلامی نیز، اعراب در پیروزی‌های خود از مناطق خوارزم (طبری، ۱۳۷۵: ۳۷۶۹/۹)، سغد (نرشخی، ۱۳۶۲: ۴۵ و ۴۸) و دیگر ولایت‌های ماوراءالنهر برده‌های بسیاری را به اسارت گرفتند. جدا از جنگ، بازارهای خرید و فروش برده نیز در ماوراءالنهر رونق داشت؛ مثلاً، از بازارهای چاچ برده‌های ترک به دیگر نقاط ماوراءالنهر صادر می‌شدند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۴). فروش بردگان صقلابی و خزری در بازارهای خوارزم رونق داشت و بیشتر ثروت مردم این منطقه، از تجارت برده بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۸ و ۲۳۹). حتی در بازارهای سرزمین بخارا نیز که فرسخ‌ها از ثغر ترکان به دور بود، خرید و فروش برده معمول بود (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۷).

در روستا از برده‌ها برای کارهای گوناگونی استفاده می‌شد. به‌طور معمول بیشترین استفاده از برده‌ها برای امور خانه‌داری بود (Azad, 2016: 40). اما می‌دانیم که در آسیای میانه تشکیلاتی از برده‌های آموزش‌دیده به فنون نظامی، موسوم به چاکرها وجود داشت که وظیفه دفاع از دهقان و مایملک روستایی او را به عهده داشتند (فرای، ۱۴۰۱: ۲۳۳). همچنین کار برده‌ها در امور کشاورزی به‌عنوان نیروی کار رایگان، اصلاً دور از ذهن نیست؛ چنانکه اعراب بسیاری از بردگان به دست آمده از فتوحات ماوراءالنهر را در زمین‌های کشاورزی بصره و مدینه (بلاذری، ۱۳۴۶: ۲۹۸) به کار کشاورزی گماشتند.

موقعیت اقتصادی: منطقه ماوراءالنهر با دارا بودن رشته‌کوه‌های بلند، رود و نهرهای متعدد، دشت‌ها و مرغزارها، بیابان‌های تفت‌آلود و واحه‌های سرسبز از تنوع اقلیمی گسترده‌ای برخوردار بود؛ به‌همین دلیل، اقتصاد روستا نیز که بسیار متأثر از موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های پیرامون خودش است، دارای تنوع بسیاری بود. در ماوراءالنهر بیشتر روستاها به تولیدات کشاورزی شامل زراعت، باغداری، جالیزکاری، دامداری و پرورش ماکیان اشتغال داشتند. روستاهای مناطق تخارستان

(فرای، ۱۴۰۱: ۲۲۱) نظیر اسروشنه، فرغانه و چاچ در زمینه تولیدات کشاورزی جایگاه نخست را در اقتصاد روستا به خود اختصاص داده بودند.

در برخی از روستاهای ماوراءالنهر نیز به دلیل قرارگیری در مجاورت شاهراه‌های تجاری و شهرهای بزرگ، در زمینه اقتصادی تولیدات کالایی رونق داشت (یوسفی فر، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد در سرزمین ماوراءالنهر روستاهای ایالات سغد و خوارزم به دلیل همجواری با شهرهای تجاری بزرگ نظیر سمرقند، بخارا، کاث، جرجانیه و غیره و همچنین بهره‌مند شدن از شاهراه‌های تجاری جاده ابریشم که بازارهای چین را به آسیای غربی و اروپا متصل می‌کرد، بیشتر به جانب تجارت و تولید کالا توجه داشته‌اند (فرای، ۱۴۰۱: ۲۲۱).

علاوه بر پایگاه‌های اقتصادی که تا بدین جا گفته شد، اهالی روستا بسته به ظرفیت‌های محیط پیرامون روستا، برای امرار معاش به مشاغل دیگری نیز اقدام می‌کردند؛ برای مثال، روستاییان در اوقات فراغت یا حتی به عنوان شغل اصلی به کارهایی چون جمع‌آوری هیزم (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۵)، جمع‌آوری داروهای گیاهی (نویسنده نامعلوم، ۱۳۶۲: ۱۰۶)، ماهیگیری (مقدسی، ۱۳۶۱: ۸۲/ ۴۱۵)، کار در معادن (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۴ و ۱۹۵)، طلايابی در رودخانه‌ها (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۶۹ و ۷۰)، کولبری (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۵۴ و ۱۵۵) و کلفتی (مقدسی ۴۷۵/۲: ۱۳۶۱) اقدام می‌کردند. با این نگاه گذرا بر سیمای جامعه روستایی و روستانشینی در منطقه ماوراءالنهر در سده‌های میانه، به بحث اول که ریشه‌های شکل‌گیری و استقرار جامعه روستایی در این منطقه بود، می‌پردازیم.

۳. الگوهای پیدایش روستاها در ماوراءالنهر

پیشینه پیدایش روستاها در ماوراءالنهر: روند پیدایش روستاها در منطقه بین دو رود سیحون و جیحون از قدمت زیادی برخوردار است. بنابه تحقیقات باستان‌شناختی در این منطقه، دره آمودریا در کنار دره‌های سند، نیل و دجله و فرات، یکی از نخستین خاستگاه‌های پیدایش سکونت‌گاه‌های روستایی و شهری در تاریخ بشر است (استار، ۱۳۹۸: ۵۴). اشاره شد که الگوی مقبول محققان درباره مراحل پیدایش نخستین روستاها، فرایند انتقال از دوره غارنشینی به زندگی گروهی، قبیله‌ای و سپس سکونت انسان‌ها در یک مکان و سرآغاز کشاورزی است (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۱۴۹). برخی از روایات تاریخ ملی ایران، آشنایی با این شکل از فرایند دگرگونی اجتماعی را بازگو می‌کنند؛ برای مثال، در دوره سلطنت هوشنگ، پادشاه افسانه‌ای، مردم از رویه زندگی در چادرها عبور کرده

و با احداث بناها، به زراعت می‌پردازند (خسروی، ۱۳۸۱: ۳۴). شماری از اطلاعات موجود، از تحولاتی که مؤید شناسایی این الگو در ماوراءالنهر پیش از تاریخ است، در دست است. در ماوراءالنهر نواحی پست مجاور رودخانه‌ها به دلیل وجود زمین‌های حاصلخیز و امکان آبیاری آن‌ها، یکی از مناسب‌ترین نواحی برای استقرار انسان در یک نقطه و پیدایش روستاهای نخستین بودند. یافته‌های باستان‌شناسان تأیید می‌کنند که نخستین سکونت‌گاه‌ها در این منطقه در مصب رودخانه‌های تجن و مرغاب، کشک‌دریا و زرفشان برپا شده‌اند (فرای، ۱۴۰۱: ۲۶ و ۲۷). قدیمی‌ترین جامعه کشاورزی که به عصر نوسنگی (Neolithic) تعلق دارد، در این پهنه جغرافیایی، در سایت جیتون (۲۰ کیلومتری شمال‌غربی عشق‌آباد کنونی) یافت شده است. در این مکان ۳۵ خانه روستایی که با قطعه‌های دایره‌ای شکل گل رس ساخته شده بودند، به همراه ابزارهای مانند داس‌های اولیه، از استخوان و تیغه‌هایی از جنس سنگ سیلکس، سفال‌های دست‌ساخت و سنگ‌های خردکننده برای آسیاب کردن دانه‌ها، پیدا شده‌اند (بلنیتسکی، ۱۳۶۴: ۶۴ و ۶۵). مطالعات باستان‌شناختی در دیگر نقاط آسیای مرکزی تأکید دارند که فرایند آغاز کشاورزی و پیدایش نخستین روستاها با آهنگی یکسان در سراسر آسیای مرکزی تحول نیافته است؛ برای مثال، اگر تمدن روستائیشینی در ناحیه جنوب‌غربی ترکمنستان در طی هزاره‌های سوم و چهارم پیش از میلاد به اوج خود رسیده باشد، اوج پیشرفت تمدن روستائیشینی در شمال‌شرقی آسیای مرکزی دست‌کم هزار سال بعد از آن رخ داده است (همان: ۷۶)، اما به هر حال به نظر می‌رسد تا هزاره دوم پیش از میلاد، بیشتر شکارگران و گردآورندگان خوراک در سراسر آسیای مرکزی، به زندگی کشاورزی و چوپانی روی آورده بودند (فرای، ۱۴۰۱: ۷۴ و ۷۵).

اگرچه هنوز در انتظار تداوم کاوش‌های باستان‌شناسی و دسترسی به یافته‌های جدید درباره وضعیت پیش از تاریخ جوامع روستایی در ماوراءالنهر هستیم، اما اندک شواهد موجود و تاریخ‌گذاری آن‌ها، امکان تأیید فرایند شکل‌گیری روستاها و تحولات بعدی مربوط به تکامل فرایند زندگی روستایی در این مناطق را به دست می‌دهند. در ادامه نشان خواهیم داد که می‌توان الگوی انتقال نوع زندگی غیرمسکون به زندگی استقرار یافته را به عنوان الگویی شاخص پذیرفت، اما شواهد دیگری درباره وجود تنوع در این فرایند نیز در دست است.

الف- نیازهای حکمرانی

پایه‌گذاری شهر به‌مثابه مقر حکمرانی و الزامات پشتیبانی از شهر: تأسیس شهر در ماوراءالنهر بنابه دلایل متعدد و از جمله نیاز حکومت به تأسیس شهری جدید صورت می‌گرفت. در مدل احداث یک شهر، آبادسازی نواحی پیرامونی شهر و احداث روستاهایی که پشتیبانی کافی از ملزومات موردنیاز زندگی شهریان به عمل آورند، الزامی بود. حکومت به دلایلی مانند تغییر یا اصلاح روال‌های کشورداری، برپاسازی استقرارگاه نوین برای استقرار حکمران، اجرای طرح‌های عمرانی برای رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی یک منطقه و... شهرهایی متناسب با نیازهای مدنظر احداث می‌کرد (یوسفی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۵۶). در این مدل طراحی شهری، به‌منظور تأمین نیازهای مختلف شهریان و نیز رونق مناسبات شهری، زمین‌های محدوده شهر را با عنوان «مزیت جذب فعالان اقتصادی در منطقه» مدنظر قرار می‌دادند. روش دیگر، کوچ دادن مردم از نواحی مختلف به منطقه شهری جدید بود. این مدل طراحی شهری، نیازمند تأمین منابع لازم برای زندگی روستاییان پیرامون شهرهای جدید می‌شد.

در بررسی تجارب مربوط به این مدل برخورداریم که خسرو انوشیروان شهر فرغانه را در منطقه ماوراءالنهر تأسیس کرد و برای رونق دادن به آن از هرخانه‌ای گروهی را به آنجا کوچ داد؛ به‌همین دلیل، اسم این شهر را ازهرخانه‌ای نامیدند (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰: ۲۵). همچنین در دوران خلافت عباسی در گستره وسیعی از عراق تا خراسان، موج تازه‌ای از ساخت شهرها و روستاها برپا شد و اشارات درخوری در منابع تاریخی و جغرافیایی در این زمینه وجود دارد (از جمله ر. ک به: یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲/ ۳۶۴ و ۳۶۵)؛ برای مثال، تنها خلیفه معتصم پس از آنکه در سال ۲۲۰ قمری در مناطقی مانند قاطول و سامره با ایجاد شهرهای تازه و سپس کوچ دادن مردم به آن مناطق باعث ایجاد روستاهای جدید در آن نواحی شد (همان: ۴۹۷ و ۴۹۸)، در منطقه ماوراءالنهر نیز چون شهر اشتاننج* (تاشکند) بنیان نهاده شد و مجدد زمینه‌ساز ایجاد روستاها و دژهای جدیدی در این منطقه شد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۷۰ و ۷۱).

جابه‌جایی اجباری مردم: دیگر عامل مؤثر در پیدایش روستاها، در نتیجه جابه‌جایی اجباری یا اجرای برنامه یک‌باره ساکنان یک منطقه به مکان دیگر بود. جغرافیای سیاسی ماوراءالنهر باعث می‌شد که به‌طور دایم مهاجرت، حمله، نفوذ تدریجی از سوی صحراگردان و حکومت‌های همجوار امری اجتناب‌ناپذیر باشد. گاه برخی حکومت‌ها پس از تصرف ماوراءالنهر، با هدف افزایش قدرت

*. اشتاننج: چاچ (Chach) = شاش (Shash) در نزدیکی تاش (تاشکند).

نظامی و حفظ نفوذ سیاسی خود، شماری از جماعات سرزمین خود را با توجه به جذابیت‌های اقلیمی، اقتصادی، طبیعی منتقل می‌کردند. اسکان این مردمان به‌طور معمول در قالب اختصاص اراضی مناسب به آنان و تولید فضای مناسب برای زندگی آن‌ها در شهرها و روستاهای نوساز بود. پهنه جغرافیای منطقه از این‌گونه تجارب شکل‌گیری استقرارگاه‌های روستایی بسیار داشت؛ برای مثال، حاکمان سلوکی پس از گشودن این منطقه به‌منظور حفظ و افزایش نفوذ خود بر آن، شمار زیادی از مردمان یونانی و مقدونی را به این سرزمین انتقال دادند و در این راستا، به‌منظور ترغیب آن‌ها سیاست اهدای زمین رایگان را در پیش گرفتند. در همین زمینه انتیوکوس، پادشاه سلوکی، شهر آنتیوکیا (Antiochia) را در مرو بنا کرد. احتمالاً شهر آی‌خانم (Ay Khanum) در کنار رودخانه جیحون نیز در این ایام احداث شده است (فرای، ۱۴۰۱: ۱۲۸ و ۱۲۹). برآیند این مهاجرت‌ها و ساخت‌وسازها، باعث شکل‌گیری روستاهایی با جمعیت مهاجران یونانی و مقدونی در منطقه بود.

در دوره اسلامی نیز پس از گشوده شدن سرزمین ماوراءالنهر، طی چند دوره مهاجرت‌های گسترده‌ای از نواحی مختلف ایران و خارج از آن به جانب خراسان و ماوراءالنهر صورت گرفت. خلفای مسلمان به دلایل گوناگون، از جمله جابه‌جایی و دور کردن مردمان، فرق و قبایل و خاندان‌های درگیر در اختلافات اجتماعی، دینی، فرهنگی و سیاسی از نواحی مرکزی قلمرو خود و نیز تسهیل امور حفاظت و اداره سرزمین‌های فتح‌شده، گسترش جبهه‌های جهاد و تداوم فتوحات و... خاندان‌ها و قبایل عرب را به میل یا اجبار، به سمت خراسان و ماوراءالنهر راهی می‌کردند. تنها در سال ۵۲ قمری ۵۰ هزار نفر نظامی عرب که با احتساب خانواده آنان، بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر را شامل می‌شدند، به منطقه خراسان مهاجرت داده شدند (زرین‌کوب و همکاران، ۱۳۹۴: ۴ / ۳۱). یکی از پیامدهای این مهاجرت‌های گسترده، تأسیس روستاهای جدید بود که ناگزیر به دلیل استقرار مردمان با منشأ قبیله‌ای و خاندانی در منطقه خراسان و ماوراءالنهر شکل می‌گرفت؛ برای مثال، می‌توان روستای ویدار متعلق به اتحادیه قبایل بکرین وائل (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۶)، روستای قریش متعلق به قبیله قریش در واحه سمرقند (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۰۸)، روستاهای سفیدنج و الین متعلق به اعراب قبایل خزاعه (طبری، ۱۳۷۵: ۱۰ / ۴۵۱۷)، اسبواق متعلق به اعراب قبایل ازدی، اوایق متعلق به اعراب قبایل کندی و روستاهای شنگره و عبدویه متعلق به اعراب قبایل قیس در ناحیه خرقان اشاره کرد (همان: ۴۵۲۱).

براساس روش‌های حکمرانی مسلمانان، مدل مهاجرت و استقرار قبایل و خاندان‌های عرب در نواحی شهری و روستایی از مؤلفه‌های چندی برخوردار بود که درباره نواحی روستایی، واگذاری واحه‌ها و مناطق خاص چرای احشام و چارپایان و منابع آب و اراضی مردمان به شکل روستاهای اولیه، امری بدیهی و الزامی برای زندگی قبایل بود.

احداث روستا چون تأسیسی دفاعی: گاه استقرار هسته اولیه مقر نظامی در نواحی سوق‌الجیشی یا ایجاد قلعه نظامی در مرزها، به مرور منجر به پیدایش استقرارگاه روستایی در مجاورت آن تأسیسات نظامی می‌شد و گاه در مراحل رشد بعدی، چنین سکونت‌گاهی می‌توانست به سطح سکونت‌گاه شهری نیز تبدیل شود (ر. ک به: یوسفی فر، ۱۳۸۹: ۱۵۸ - ۱۶۰). در این روال پس از برپایی پادگان یا قلعه نظامی به دلیل شکل‌گیری مراودات اقتصادی و اجتماعی ساکنان پادگان نظامی با دیگر نواحی و همچنین به دلیل برقراری امنیت در پیرامون پادگان نظامی، به مرور زمینه‌های پیدایش استقرارگاه روستایی فراهم می‌شد. طبق یک روایت از تاریخ بخارا، کی خسرو در پی خون‌خواهی پدرش سیاوش، مقر افراسیاب را که در روستایی به نام رامتین بود، محاصره کرد. مدت دو سال کی خسرو به همراه لشکریانش پیرامون روستای رامتین اردو زدند و در محاصره آن اهتمام کردند. در نهایت، این امر موجبات پیدایش روستای رامش را در مقابل روستای رامتین فراهم کرد (نرشخی، ۱۳۶۲: ۱۹). همچنین روند شکل‌گیری روستای مرزی فنکان که اهالی سمرقند در آنجا در برابر هجوم غزان مرزداری می‌کردند، نمونه دیگری بر تأیید این مدل شکل‌گیری روستاها در ماوراءالنهر است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۳۱).

ب- عوامل اقتصادی

افزایش جمعیت: ازسوی دیگر، افزایش جمعیت در نواحی شهری و روستایی منجر به پیدایش استقرارگاه روستایی در مجاورت آنها می‌شد. افزایش جمعیت معمولاً در پی رونق اقتصادی و ثبات امنیت در یک ناحیه جغرافیایی رخ می‌داد. اضافه جمعیت ناحیه شهری و روستایی با مستقر شدن در نواحی مستعد پیرامون، باعث برپایی جامعه روستایی می‌شد؛ برای نمونه، در واحه سمرقند دو روستای سنجرغفن و ورغسر، بخشی از روستای مایمرغ (Maimurgh) بودند که پس از رشد اقتصادی و افزایش جمعیت به روستایی واحد تبدیل شدند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۴ و ۲۲۵).

احداث روستا برای رونق و حمایت اقتصاد شهری: پیدایش شهرها و ادامه بقا و رشد و تکامل مناسبات شهری، مشروط به تأمین نیازهای اولیه از مواد خام و ضروری تولیدی تا مایحتاج لازم

به‌منظور تغذیه مردم است. اضافه محصول روستاها به شهرها امکان رشد اقتصادی شهرها و شرایط ظهور شغل‌های تخصصی و توسعه اجتماعی آن‌ها را فراهم می‌کرد؛ ازاین‌رو، یکی از اقدامات مؤثر حکام به‌منظور رونق دادن به اقتصاد شهرها و رفع مشکلات معیشتی و صنعتی آن‌ها، ایجاد روستاها در پیرامون شهرها به‌منظور تدارک و فراهم آوردن پشتیبانی و ارائه خدمات موردنیاز جامعه شهری بود. در چنین وضعیتی، حکومت در پیرامون شهر با انتخاب مکان مساعد و فراهم کردن زیرساخت‌هایی مثل احداث قنات و حفر کانال‌های آب‌رسانی، اقدام به تأسیس روستا می‌کرد؛ برای مثال، بهرام گور ساسانی پس از حضور در شهر بیهق، با هدف رونق اقتصادی شهر، دستور ایجاد روستای زمیج را به‌منظور کشت غله و پنبه موردنیاز صنایع شهر صادر کرد (بیهقی، ۱۳۴۵: ۳۶). همچنین می‌توان احداث روستاهای ماستین، سقمتین، سمتین و فرب را توسط شیر کشور پس از تأسیس شهر بخارا در پیرامون آن (نرشخی، ۱۳۶۲: ۷) یا احداث روستای ریوند در پیرامون شهر نیشابور به فرمان خسرو انوشیروان ساسانی را از این‌گونه برنامه‌ها در روستاها به‌منظور حمایت از توسعه شهری ارزیابی کرد (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۵).

سرمایه‌گذاری خصوصی برای احداث روستا: یکی از پرتکرارترین مدل‌های پیدایش روستا در ماوراءالنهر و ایران، پایه‌گذاری و احداث آن توسط مالکان بزرگ و بزرگان بود. به‌طور معمول مالکان به قصد افزایش درآمد ثابت و کافی اقدام به سرمایه‌گذاری در جهت احیای زمین‌های بایر و رهاشده یا اراضی‌ای که از سوی دیوان دریافت کرده بودند، می‌کردند. معمولاً این عمل با اقدامات شخص به‌منظور فراهم کردن زیرساخت‌های ضروری برای فعالیت‌های کشاورزی، مانند حفر کاریز، نهر و زه‌کشی زمین، همراه بود. در مرحله بعد، با انتقال جماعات آزاد و داوطلب یا مازاد از روستاهای دیگر به این منطقه، شرایط شکل‌گیری روستای جدید را فراهم می‌کردند. طبق روایتی مشهور در کتاب *تاریخ بخارا*، شاپور یکی از پسران کسری، پس از دریافت زمینی هامون به مقاطعه از بخارا خدات، با احداث کاخ، حفر نهر و فراهم کردن دیگر ملزومات کشاورزی، روستاهای آبویه و وردانه را تأسیس کرد (نرشخی، ۱۳۶۲: ۳۸). رویه احداث روستا توسط اشخاص توانمند، به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی شیوع بسیار داشت. در یک گزارش به این فراوانی چنین اشاره شده است: «مردی بوده است در روزگار بهمن‌الملک، او را بیهه خوانده‌اند، و آنجا که مقابل آنباد است، دیهی کرده است و هنوز اثر آن دیه و حصار آن دیه توان دید. آن را به‌نام وی

خوانده‌اند، چنانکه حسین‌آباد را به بناکننده آن، حسین بازخوانند و حارث‌آباد را به حارث و معاذآباد را به معاذ» (بیهقی، ۱۳۴۵: ۳۳).

در روند شکل‌گیری روستا براساس مدل یادشده در بالا، اهداف دیگری نیز دخیل بودند. در برخی گزارش‌ها بعضی از خاندان‌های توانمند به‌منظور تأمین درآمدهای ثابت برای خانواده و فرزندان خود، رویه احداث روستا و اختصاص درآمدهای متعلقه به آنان را، روشی پایدار برای حفظ موقعیت اقتصادی خاندانشان می‌دانستند. معمولاً این امر زمانی رخ می‌داد که خانواده ثروتمند دارای فرزند کم‌توان یا پرشمار بود و از این‌رو، با سرمایه‌گذاری و احداث روستا، راه ثابت و پایداری برای تأمین مخارج زندگی فرزندان‌شان در آینده تأمین می‌کرد. همچنین ممکن بود خانواده‌ای برای تأمین مخارج تحصیل فرزندش و ایجاد رفاه برای او در دوران میان‌سالی و پیری، دست به چنین اقدامی بزند. نمونه‌ای از این نوع روستاها را می‌توان در ولایت فرغانه مشاهده کرد. در ارتباط با این قضایا، می‌توان اقدام امیر سامانی در احداث روستای نصرآباد و نامیدن آن به نام فرزندش نصر را، چون اقدامی خصوصی قلمداد کرد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲ / ۳۹۱).

بازار، منشأ پیدایش روستا: برپایی بازارهای هفتگی، ماهانه و سالانه در یک نقطه خاص یا در مجاورت یک شهر یا راه تجاری مهم یا حتی موقعیت منزلگاهی، در برخی مواقع به استقرار افراد در یک منطقه غیرمسکونی و نزدیک این‌گونه بازارهای موسمی یا نقاط منزلگاه‌ها می‌انجامید و درنهایت، پیدایش استقرارگاه روستایی را در آن منطقه در پی داشت.

عبور شاهراه‌های تجاری شرق به غرب از منطقه ماوراءالنهر، گذر پرتعداد کاروان‌های بازرگانی از این منطقه و وجود شهرهای بزرگ تجاری مانند سمرقند، بخارا، کاث و گرگانج باعث شده بود بسیاری از روستاها در این مناطق منطبق بر چنین مدلی و پیرامون شالوده بازارهای موقتی تشکیل شود. می‌توان احتمال داد بازار روستای طواویس که بر سر شاهراه تجاری سمرقند به بخارا قرار داشت و سالانه محمل گرد آمدن ده‌ها هزار نفر از بازرگانان و اصحاب حوایج از مناطق دوردست مثل فرغانه و چاچ بود، عامل پیدایش این روستا در گذشته بوده است (نرشخی، ۱۳۶۲: ۱۳ و ۱۴). همچنین می‌توان احتمال داد علت پیدایش روستای اسکجکت از توابع بخارا، بازار هفتگی و ظرفیت‌های اقتصادی آن بوده باشد (همان: ۱۵).

براساس آنچه که گذشت، در ریشه‌شناسی استقرار جامعه روستایی در ماوراءالنهر افزایش جمعیت، حمایت از رشد زندگی اقتصادی شهر، سرمایه‌گذاری خصوصی و احداث روستا، بازار چون پایه

استقرار روستا و طراحی مجاری درآمد ثابت برای اعضای خاندان، همانند مهم‌ترین دلایل شناسایی شده در منابع مزبور، از عوامل قابل ذکر هستند.

ج- عوامل اجتماعی

اسکان صحراگردان: روال دیگر پیدایش روستا، گذار از زندگی صحراگردی به زندگی استقراریافته بود. ماوراءالنهر در مجاورت منطقه آسیای میانه و مردمان صحراگرد قرار داشت و از سوی دیگر، دشت‌ها و مرغزارهای مناسب برای تداوم زیست صحراگردی و رمه‌گردانی داشت، همواره شاهد هجوم و مهاجرت گسترده صحراگردان به این مناطق بوده است؛ از این رو، بیش از هر منطقه دیگری در اینجا شاهد پیدایش روستاها با منشأ صحراگردی و قبیله‌ای بوده‌ایم. افزون‌براین، مدل دیگری در این منطقه در روند گذار از زندگی رمه‌گردانی به زندگی روستایی موثر واقع می‌شد که شباهت‌هایی با روال یادشده داشت. به‌طور معمول به‌دنبال رشد مناسبات اجتماعی - اقتصادی در منطقه و فراهم آمدن امکانات مناسب برای استقرار مردمان صحراگرد، آنان بنا به ملاحظات گوناگون تمایل به ترک زندگی صحراگردی و انتخاب سبک زندگی یک‌جانشینی پیدا می‌کردند (ر. ک به: یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

روستاهای متعلق به قبایل کمیجیان که در ناحیه ختلان (Khuttalan) و چغانیان زندگی یک‌جانشینی را برگزیده بودند، اما همچنان عادات و اقتصاد صحراگردی خود را حفظ کرده بودند، نمونه‌ای از این دست روستاها در منطقه ماوراءالنهر بود. در *حدودالعالم من المشرق الی المغرب* در این زمینه آمده است: «و گروهی مردمانند کی ایشان را کمیجیان خوانند و اندر حدود ختلان و چغانیان نشسته‌اند، مردمانی اند دلاور و جنگی و دزدپیشه و خواسته ایشان گوسپند است و برده و ایشان را ده‌ها و روستاهای بسیارست و هیچ شهر نیست...» (نویسنده نامعلوم، ۱۳۶۲: ۱۲۰).

مثال واضح دیگر از این مدل روستاها، روستای «حوش» در جوزجانان است. اهالی این روستا از قبیله نیمه‌یک‌جانشین عرب بودند که در طول سال، گوسفندان و شترانشان را در بیابان‌های جوزجان به چرا می‌بردند و تابستان را در روستاهای خود سکونت می‌کردند (همان: ۹۸ و ۹۹). روستا به‌مثابه **تفرجگاه شهریان**: گاه احداث روستاها و باغ‌ها در مناطق خوش‌آب‌وهوا به‌مثابه منطقه‌ای با کارکرد تفرجگاهی، استراحت‌گاهی و رفاهی برای گروه‌های ثروتمند و برخوردار شهری تأسیس می‌شد. این‌گونه اقامتگاه‌های خارج از شهر بیشتر در مناطق گرم یا سرد کاربرد داشت. اغلب روند پیدایش این‌گونه روستاها با احداث باغ و بوستان توسط حاکم یا شخصی

منتفذ در پیرامون شهر آغاز می‌شد. سپس استقرار جماعت وابسته به بانی بوستان و رونق پیشه‌ها در پیرامون آن منجر به شکل‌گیری هسته‌های اولیه روستا می‌شد (یوسفی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۶۶). نمونه‌ای از این روستاها را می‌توان در واحه سغد مشاهده کرد. اخشید که مقر اصلی او در شهر سمرقند بود، اوقات فراغت خود را در روستای ریودد می‌گذراند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۵). روستای باغک متعلق به عبدالله بن عامر در دوران اموی و روستای درباغ متعلق به ابومسلم در شهر نیشابور، نمونه‌های دیگری از این مدل باغ‌روستاها بودند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۲). گاه این استقرارگاه‌های روستایی در مراحل رشد بعدی خود به سطح جامعه شهری ارتقا پیدا می‌کردند (ر. ک به: یوسفی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۶۰).

د- عوامل فرهنگی

شکل‌گیری روستا بر محور کانون مقدس: گاه وجود زیارتگاه یا مقبره‌ای مقدس، زمینه‌ساز پیدایش استقرارگاه روستایی می‌شد. وجود این‌گونه کانون‌های جالب مانند یک مرکز در جذب باورمندان و معتقدان عمل کرده و به تدریج شرایط مناسب برای شکل‌دهی به مکانی برای رونق زندگی جماعات محدود در پیرامون آن مرکز را به وجود می‌آورد. در این جریان تبدیل یک نشانه مکانی به مرکزیت سکونت‌گاه روستایی، عوامل تسریع‌کننده دیگری نیز دخالت داشتند، از جمله: وجود درآمدهای سرشاری که به خاطر آن مرکز بر پایه منابعی مانند وقف، اهدای هدایا و نذورات معتقدان به محل سرازیر می‌شد. این ظرفیت‌های اقتصادی مکان مقدس باعث می‌شد به مرور امکان پشتیبانی اقتصادی از جمعیت زیادی فراهم شود و این امر در توسعه آن استقرارگاه به مرحله روستایی تأثیرگذار بود. واضح‌ترین مثال درباره این‌گونه روستاها، روستای شاوذار در واحه سمرقند بود. این روستا دارای معبدی مقدس از آن ترسایان بود. وجود معبد مقدس در این روستا باعث شد جمعیتی از اسقفان مسیحی و دیگر باورمندان برای استقرار در این مکان ترغیب شوند. افزون بر آن، وجود موقوفات بسیار در این معبد شرایطی را فراهم کرده بود که زائران حتی از مکان‌های بسیار دوردست مانند عراق برای زیارت به این روستا می‌آمدند و ایامی را به اعتکاف می‌گذراندند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۵ و برای آگاهی بیشتر ر. ک به: یوسفی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۸).

ه- عوامل مساعد جغرافیایی

خاک حاصلخیز: زمین قابل کشت و ورز یک ملاک اصلی برای جذب جماعات غیریک‌جانشین یا مردمان دیگر نواحی دچار تنگناهای معیشتی به یک نقطه برای استقرار و درنهایت، شکل‌گیری

روستا بود. تولیدات اقتصادی ساکنان روستاها (زراعت، باغداری، جالیزکاری، دامداری و پرورش ماکیان) به‌طور مستقیم متکی به خاک بود. در واقع، ظرفیت خاک یک منطقه، میزان تاب‌آوری جمعیت و مقدار تولیدات اقتصادی ساکنان روستا را در بلندمدت تعیین می‌کرد. همین عامل باعث می‌شد استقرار مستمر و هدفمند مردمان در مناطقی که از نظر خاک بر دیگر نواحی برتری داشتند، منجر به پیدایش روستاهای جدید شود؛ برای مثال، نام یکی از ارباع بیهق، زمیج به معنی زمین بردهنده بود. این نام‌گذاری تنها بیان‌گر نقش و اهمیت خاک حاصلخیز این ربع در تأسیس روستاهایی نظیر علی‌آباد، حارث‌آباد، فضلوی‌آباد و... است (بیهقی، ۱۳۴۵: ۳۷). در مثالی دیگر واعظ بلخی یکی از برتری‌های شهر بلخ را در مقایسه با سایر نواحی این‌گونه توصیف می‌کند: «و دیگر دلیل بر پاکی این خاک آن است که هر درختی و نباتی که بنشانی، قبول کند و زود بردهد؛ مثلاً، اگر شاخ و نهال سیب، بی‌آنکه بیخ و ریشه داشته باشد، بگیرد و زود قوی شود و در زمین وی ذوات‌السموم کم اتفاق افتد، همچون مار و افاعی مصر و سجستان، و عقارب نصیبین و جرات اهواز و بعوضات سواحل...» (واعظ بلخی، ۱۳۵۰: ۴۹). همچنین نرشخی در کنار دیگر دلایل، خاک مساعد را از عوامل پیدایش روستاها در بخارا ذکر می‌کند (نرشخی، ۱۳۶۲: ۵ و برای آگاهی بیشتر ر. ک به: یوسفی فر، ۱۳۸۹: ۱۴۷ و ۱۴۸).

وجود آب: در کنار خاک، وجود منابع آب (چشمه، رود، چاه و قنات)، عنصر حیاتی و تعیین‌کننده دیگری در روند پیدایش استقرارگاه روستایی بود. منطقه ماوراءالنهر به‌دلیل اقلیم خشک و بیابانی‌اش بیش از هر جای دیگر به آبیاری مصنوعی برای ایجاد و آبادی روستاها نیاز داشت؛ برای مثال، چشمه‌هایی واقع در کوهستان بتم و کوه زابج در سغد، نقش مهمی در پیدایش روستاها در پایین‌دست داشتند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۶). شهر اشتروشنه (Ustrushana) نیز به‌دلیل فقدان رودهای پرآب، چشمه‌های جاری‌شده از کوه‌های استروشنه به‌تنهایی وظیفه تأمین آب منطقه را به دوش می‌کشید و شرایط را برای پیدایش روستاها مهیا می‌کرد (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۰). در منطقه ماوراءالنهر، رودها و نهرهای متفرع‌شده از آن نیز سهم زیادی در پیدایش روستاها و آبادی منطقه داشتند. این وضعیت بیش از هر جا، در روستاهای واحه سمرقند، بخارا و خوارزم به‌چشم می‌خورد؛ برای مثال، در دره زرافشان، تنها نهر فی که از رود سغد متفرع شده بود، بالغ‌بر دو فرسخ را آبیاری می‌کرد و شرایط را برای پیدایش روستاها در پهنه کویر فراهم کرده بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۴۷۸ و برای مقایسه تأثیر این عامل در سایر نواحی ایران، ر. ک به: یوسفی فر، ۱۳۸۹: ۱۴۷ و ۱۴۸).

وجود معادن: گاه نیز پیدایش معادن ارزشمند در یک منطقه باعث شکل‌گیری استقرارگاه روستایی در پیرامون خود می‌شد. برخی مواقع رونق اقتصادی در معدن تازه کشف‌شده منجر به استقرار کارگران و خانواده‌هایشان در پیرامون معدن می‌شد که این روند ممکن بود در ادامه به پیدایش روستا ختم شود. در ماوراءالنهر ولایت‌های فرغانه، چاچ و سغد به دلیل موقعیت کوهستانی خود دارای معان متنوعی مانند نوشادر، آهن، جیوه، مس، سرب، زر، سیم، فیروزه و... بودند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۲۷) که مستعد پیدایش چنین روستاهایی بود.

در خراسان آبادی‌ای به نام چارپایه دارای معادن نقره بود که مردمان در جوار معدن مستقر شده بودند (همان: ۲۱۹). همچنین در نیشابور روستای ریوندکان با معدن فیروزه و روستای کان‌سیج با معدن سنگ سیج و روستای کان‌رخام* با معدن سنگ مرمر، مثال‌های دیگری از این مدل روستاها بودند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۱۵).

نتیجه‌گیری

شناخت علت پیدایش یا تأسیس استقرارگاه روستایی، نقش مهمی در فهم کنش‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ساکنان روستا و نوع برقراری رابطه روستا با سایر روستاها، شهرهای پیرامون خود و صحراگردان دارد؛ از این رو، کنجکاو و مطالعه درباره عوامل مؤثر در پیدایش و تأسیس روستاها نقش محوری و بنیادین در مطالعات تاریخ روستایی دارد.

نتایج این تحقیق مشخص ساخت که الگوی پیدایش روستا براساس انتقال زندگی جمعی انسان‌ها از مرحله غارنشینی و شکارگری به استقرار در جلگه‌ها و آبرفت‌ها به‌منظور پرداختن به کشاورزی، به‌رغم تأیید و اقبال جامعه‌شناسان، باستان‌شناسان، جغرافی‌دانان و انسان‌شناسان، بیشتر برای مطالعات تاریخ روستایی در نخستین جوامع بشری کاربرد دارد و استفاده از آن برای فهم روند پیدایش روستاها در تمامی ادوار تاریخی، سهل‌انگارانه است. همچنین الگوی یادشده را می‌توان تنها به‌عنوان یکی از عوامل پیدایش روستا در تاریخ ایران پذیرفت.

سرانجام براساس یافته‌های به‌دست‌آمده در این مقاله، محرز شد که پیدایش و تأسیس روستاها در منطقه ماوراءالنهر در سده‌های میانه، براساس شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سرزمینی دارای دلایل متعدد و متنوعی بوده است.

مهم‌ترین مدل‌ها در فرایند شکل‌گیری استقرارگاه‌های روستایی در منطقه ماوراءالنهر در سده‌های میانه را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

ضرورت وجود جامعه روستایی برای تأمین مواد غذایی مردم شهری، سیاست‌های حکومت در جابه‌جایی و اسکان جماعات در مناطق جدید، ایجاد تأسیسات دفاعی و نظامی با منطقه روستایی پیوسته به آن، انتقال بخش مازاد جمعیت از جوامع روستایی و شهری به استقرارگاه جدید، ایجاد روستاها با هدف تأمین مواد خام و اولیه برای صنایع شهری، روستا چون فضای شکل‌گرفته بر کانون بازار، اسکان جماعات صحراگرد، نیاز گروه‌های شهری به تفرجگاه و استراحت‌گاه خارج شهر، روستا چون فضای اجتماعی شکل‌گرفته بر گرد کانون مقدس، و وجود عوامل طبیعی جاذب جمعیت (خاک، آب و معدن).

بدون تردید اگر در استخراج مدل‌های شکل‌گیری روستا در قلمرو ماوراءالنهر، با مطالعات فراتر در سرزمین ایران در سده‌های میانه، بررسی تطبیقی صورت بگیرد، دستاورد تحقیق حاضر را پیراسته‌تر کرده و قوام بیشتری به آن خواهد بخشید.

منابع

کتاب‌ها

- ابن‌اعثم کوفی، محمدبن علی (۱۳۷۲)، *الفتوح*، ترجمه محمدبن احمد مستوفی هروی، مصحح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن‌حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن‌حوقل (ایران در «صورةالعرض»)*، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌خردادبه، ابوالقاسم‌بن عبیدالله (۱۳۷۰)، *مسالك الممالک*، ترجمه دکتر حسین قره‌چانلو، تهران: بی‌نا.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰)، *مسالك و ممالک*، به‌اهتمام ایرج افشار، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

- استار، استیون فردریک (۱۳۹۸)، روشنگری در محاق: عصر طلایی آسیای میانه از حمله اعراب تا حکومت تیمور لنگ، ترجمه احسن افشار، تهران: مرکز.
- انصاف پور، غلامرضا (۲۵۳۵)، تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران، تهران: اندیشه.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیر وویچ (۱۳۴۴)، تاریخ سیاسی و اجتماعی آسیای مرکزی تا قرن دوازدهم، ترجمه علی محمد زهما، به اهتمام اسدالله حبیب، کابل: پوهنی.
- _____ (۱۳۶۶)، ترکستان نامه ترکستان در عهد هجوم مغول، ترجمه کریم کشاورز، ۲ جلد، تهران: آگاه.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بلنیتسکی، آلکساندر مارکوویچ (۱۳۶۴)، خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)، مترجم: پرویز ورجاوند، تهران: گفتار.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (۱۳۴۵)، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمن یار، مقدمه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: فروغی.
- پطروشفسکی، ایلیاپاولویچ (۱۳۴۴)، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، ۲ جلد، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸)، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تصحیح فیروز منصوری، تهران: آستان قدس رضوی.
- چایلد، گوردن (۲۵۳۷)، انسان خود را می سازد، ترجمه احمد کریمی حکاک و محمد هل اتائی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (۱۳۵۷)، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- خسروی، خسرو (۱۳۸۵)، جامعه شناسی ده در ایران، ویراسته نیره توکلی خمینی، چ ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاه.
- _____ (۱۳۸۱)، جامعه شناسی روستای ایران، تهران: فرس.

- ذکا، یحیی (۱۳۷۴)، مفهوم دژ و ارگ یا هسته مرکزی ایجاد شهرها در ایران، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی ایران، به‌کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین و همکاران (۱۳۷۹)، تاریخ ایران: از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان (از فروپاشی دولت سامانیان تا آمدن سلجوقیان)، گردآوری ریچارد نیلسون فرای، مترجم حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، مبانی جغرافیای روستایی، تهران: سمت.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۶، تهران: اساطیر.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۴۸)، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه: محمود محمودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____؛ (۱۳۹۲)، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
- _____؛ (۱۴۰۱)، میراث آسیای مرکزی، ترجمه اوانس اوانسیان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- گردیزی، عبدالحی بن زحاک (۱۳۸۴)، زین‌الخبار، به‌اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- لسترنج، گای (۱۳۹۳)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه: محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۸)، آغاز شهرنشینی در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاه.
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱)، احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۲، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مورگان، لوئیس هنری (۱۳۷۱)، جامعه باستان، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه.

- واعظ بلخی، ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمد بن داود (۱۳۵۰)، فضایل بلخ، ترجمه عبدالله محمد بن محمد بن حسین حسینی بلخی، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- وایت هاوس، روث (۱۳۶۹)، نخستین شهر، ترجمه: مهدی سبحانی، تهران: فضا.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶)، البلدان، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲)، تاریخ یعقوبی، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، ۲ ج، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۰)، شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- عارف، طاها (۱۴۰۲)، «تحولات جامعه روستایی ماوراءالنهر از ورود اعراب تا تأسیس حکومت سامانیان»، استاد راهنما: دکتر شهرام یوسفی فر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده ادبیات.
- یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۹)، «الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران»، تاریخ ایران، شماره ۵ (پی‌درپی ۶۴)، صص ۱۴۵ - ۱۷۰.
- _____ (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سنخ‌شناسی منابع و مآخذ مطالعات تاریخ شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران»، ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، پیاپی ۱۵۷، صص ۲۸ - ۳۶.

منابع لاتین

- Azad, Arezou. (2016), "Living happily ever after: fraternal polyandry, taxes and "the house" in early Islamic Bactria," *Bulletin of SOAS* 79, 1, pp. 33 -56.